

Fiqh-legal foundations of personal and social health with emphasis on emerging diseases

Jalili. Abdollah¹ DaDashnezhad. Davood^{2*} Barati. Morteza³

1: PhD. Student of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

2: Assistant Professor of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran: (Corresponding Author) (dadashnejaddavood@yahoo.com)

3: Assistant Professor of Department of Islamic Philosophy and Theology, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

Abstract: All members of the society have a responsibility to be cautious towards each other and must observe personal and social hygiene during the outbreak of infectious diseases so as not to cause its transmission and spread to others and other members of the society. Examining the jurisprudential and legal verdict of non-observance of hygiene against emerging infectious diseases and the guarantee and criminal responsibility of its transmitter is of great importance. Non-observance of personal and social health against various diseases, including emerging diseases, based on the rule of sanctity of self-harm, the rule of avoiding possible harm, the obligation to save life, the rule of negating harm, the rule of maintaining order, and the principle of caution is prohibited. be Also, the carrier of emerging infectious diseases is the guarantor based on the rule of wastage, the rule of attribution, the rule of respect, the rule of negation of harm, the rule of commitment to safety and the rule of commitment to the safety of conventional care, and the retribution of the carrier of the disease in case of death is received. The doer has been excluded because in intentional murder, supervision and the predominance of lethality are conditional verbs, if these two are the problem here. Also, based on some of the above-mentioned rules and international protocols and health regulations, any act or omission, carelessness and negligence that causes injury as a result of the occurrence and spread of various diseases and damage to the environment, including water, soil, air and sea pollution, is prohibited and guaranteed.

Keywords: personal and social health, environment, juridical and legal principles and rules, emerging diseases.

فقه و حقوق اسلامی فصلنامه مطالعات

سال ۱۵- شماره ۳۳- زمستان ۱۴۰۲

صفحات ۳۴۹- ۳۸۰ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۲/۰۳/۲۳- بازنگری ۱۴۰۲/۰۴/۳۱- پذیرش ۱۴۰۲/۰۵/۰۳

مبانی فقهی حقوقی بهداشت فردی و اجتماعی در پرتو بروز بیماری های نوظهور

عبداله جلیلی^{۱/} داود داداش نژاد دلشاد^{۲/} مرضی براتی^{۳/}

۱: دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

۲: استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران (نویسنده مسئول)

dadashnejaddavood@yahoo.com

۳: استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

چکیده: تمامی افراد جامعه نسبت به یکدیگر مسئولیت به احتیاط داشته و بایستی در زمان شیوع بیماری های واگیردار بهداشت فردی و اجتماعی را رعایت نمایند تا باعث انتقال و گسترش آن به دیگری و سایر افراد جامعه نگردد. بررسی حکم فقهی و حقوقی عدم رعایت بهداشت در برابر بیماری های واگیر نوظهور و ضمان و مسئولیت کیفری انتقال دهنده آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. عدم رعایت بهداشت فردی و اجتماعی در برابر بیماری های مختلف از جمله بیماری های نوظهور بر اساس قاعده حرمت اضرار به نفس، قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، وجوب حفظ جان، قاعده نفی ضرر و قاعده حفظ نظام و اصل احتیاط حرام و ممنوع می باشد. همچنین انتقال دهنده بیماری های واگیردار و نوظهور واگیردار بر اساس قاعده اتلاف، قاعده تسبیب، قاعده احترام، قاعده نفی اضرار، قاعده تعهد ایمنی و قاعده تعهد به ایمنی مراقبت متعارف ضامن می باشد و قصاص انتقال دهنده بیماری در صورت فوت دریافت کننده منتفی بوده، زیرا در قتل عمد، مباشرت و غالبی بودن کشتن فعل شرط می باشد، در صورتی که این دو در اینجا محل اشکال واقع شده است. همچنین بر اساس برخی از قواعد فوق الذکر و پروتکل های بین المللی و آیین نامه های بهداشتی، هرگونه عمل و یا ترک فعل و بی مبالائی و سهل انگاری که در نتیجه بروز و شیوع بیماری های مختلف باعث ایراد صدمه و آسیب به محیط زیست اعم از آلودگی آب، خاک، هوا و دریا گردد ممنوع و موجب ضمان می باشد.

کلیدواژه: بهداشت فردی و اجتماعی، محیط زیست، مبانی و قواعد فقهی و حقوقی، بیماری های نوظهور.

- جلیلی، عبدالله؛ داداش نژاد دلشاد، داود؛ براتی، مصطفی (۱۴۰۲). مبانی فقهی حقوقی بهداشت فردی و اجتماعی در پرتو

بروز بیماری های نوظهور. *مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان*، شماره ۳۳، صفحات ۳۴۹-۳۸۰.

Doi: [10.22075/feqh.2023.30931.3626](https://doi.org/10.22075/feqh.2023.30931.3626)

مقدمه

سلامت، نخستین و مهم‌ترین حق هر انسانی، صرف‌نظر از جنسیت، سن، نژاد، ملیت، دین، مذهب و غیره است و هر کس به صرف انسان بودن از آن برخوردار است. در فقه جزایی، سلامت و حیات افراد در طول دیگر حقوق و حاکم بر آنهاست. اسلام حق بر سلامت را بر اساس مفهوم «حفظ الصحه» به رسمیت شناخته است. حق بر سلامت، در زمره حقوق رفاهی- اجتماعی احاد جامعه قرار می‌گیرد و ارتباط و تفکیک ناپذیری غیر قابل انکاری با دیگر حقوق بشر دارد؛ به گونه‌ای که تحقق بسیاری از حقوق انسانی منوط به برخورداری از این حق مسلم بشری است. گفته شده که در اسلام، جایگاه سلامت در مرتبه بعد از ایمان و باور به خداوند مهربان قرار داده شده و پیامبر(ص) در این زمینه فرموده است: «پس از نعمت باور به خداوند مهربان و ایمان به او، نعمتی همتا و همسنگ سلامتی به انسان ارزانی نشده است» (عبدی و کتابی رودی، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

اساساً دستورات اکید اسلام در زمینه نظافت و بهداشت و تغذیه و احکام «اطعمه و اشربه» و استفاده صحیح از خوراکی های مختلف، در راستای حفظ سلامت بوده است. در این میان، حمایت از سلامتی افراد در اثر بیماری هایی که هنوز درمانی برای آنها پیدا نشده باشد و همچنین بیماری های نوظهور همچون ایدز و کرونا، دو چندان می‌شود؛ لذا حق سلامت نه تنها در زمره حقوق طبیعی افراد می‌باشد، بلکه در زمره حقوق قانونی به رسمیت شناخته شده در قوانین ملی و بین المللی است؛ لذا تردیدی نیست که آن چه سبب برهم ریختن نظام زندگی و معیشت جامعه می‌شود براساس نظر فقها، حرام و اموری که برای حفظ نظام (و سلامتی) جامعه لازم است، واجب است.

رعایت بهداشت فردی و اجتماعی مسأله‌ای بنیادی و اساسی است که نه تنها با توجه به مبانی فقهی و فرامین معصومین(ع) و اولیای الهی می‌تواند رابطه مستقیم ایمان و رعایت بهداشت را بر اساس سخن معروف پیامبر(ص) النظافه من الایمان آشکار نموده، بلکه مهم‌ترین تأثیر را بر حفظ و نگهداری بهینه محیط زیست داشته باشد و از آنجا که عملکرد و رفتار بهداشتی انسان و رابطه او با محیط زیست می‌تواند بستر بروز یا پیشگیری

از ابتلا به بسیاری از بیماری‌ها را باعث شود لذا این نحوه عمل، چنان چه مبتنی بر اعتقادات دینی و فقهی باشد و رعایت حقوق الهی و انسانی و حتی حیوانات و سایر موجودات و حفظ محیط زیست را در برگیرد، می‌تواند به یکی از اساسی‌ترین ارکان حیات که ایجاد نشاط، طراوت، شادابی و تندرستی است بیانجامد و توامان باعث تداوم موالید سالم و عاری از هرگونه نقصان جسمانی و روانی را سبب شود و گفتار حکیمانه «عقل سالم در بدن سالم» را متجلی نماید و پیامد این منش رفتاری و سبک زندگی قطعاً وجود افرادی بانشاط و سرزنده و خلاق را موجب شده و ضمن حفظ محیط زیست طبیعی، تشکیل خانواده‌های سالم و در نتیجه، اجتماعات و جوامع سالم با راندمان و بهره‌وری اقتصادی - اجتماعی مطلوب را به دنبال داشته باشد. در این تحقیق با استناد به قواعد مختلف فقهی و حقوقی و مقررات و آئین‌نامه‌های بهداشتی، به وظایف افراد و جامعه در رعایت این اصل مسلم زیست - محیطی در حد توانایی و وسع و مجال پرداخته می‌شود تا وظیفه هریک از آحاد و همچنین جوامع تبیین و اثرات رعایت این قواعد، مقررات و وظایف در پیشگیری از شیوع و درمان و کنترل انواع و اقسام بیماری‌ها و بخصوص بیماری‌هایی که با توجه به پیشرفت‌های علمی، ژنتیکی و فناوری در چهره‌های نو و ابعادی ناشناخته خودنمایی می‌کنند، مشخص شود و این اصل مسلم قرآنی که «من أحيائها فكأنما أحيي الناس جميعاً» (مائده: ۳۲) به منصفه ظهور برسد و ضمناً از وارد شدن ضرر و زیان‌های اقتصادی به اجتماع و افراد نیز حتی الامکان جلوگیری شود.

۱- ادله حرمت و ممنوعیت عدم رعایت بهداشت در برابر بیماری‌ها

ادله فراوانی مبنی بر حرمت و ممنوعیت عدم رعایت بهداشت فردی در برابر بیماری‌ها و آگیردار و خطرات فراگیری آن نظیر کرونا دلالت دارند که برخی از مهم‌ترین آنها ذکر می‌شود: (محمودی، ۱۳۹۹: ۲۰۰).

۱-۱- رابطه استناد و ماهیت آن در بیماری های واگیردار

رابطه استناد، رابطه‌ای است که مبین پیوند علی یا سببی بین دو پدیده مادی، یعنی رفتار و نتیجه است. در تحلیل نظرات فقها آن چه که به عنوان فصل مشترک لازم الاثبات، در تحمیل مسئولیت وضعی باید مورد توجه قرار گیرد احراز و اثبات رابطه استناد در مفهوم عام و رابطه علیت یا سببیت در مفهوم خاص آن است. قانونگذار نیز به لزوم احراز و اثبات رابطه استناد تأکید دارد. ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ در اینباره مقرر می‌دارد: «در کلیه مواردی که تقصیر، موجب ضمان مدنی یا کیفری است دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله را به تقصیر مرتکب احراز کند». همچنین بنا بر ماده ۵۲۶ ق.م.ا: «هرگاه دو یا چند عامل برخی به مباشرت و برخی به تسبیب در وقوع جنایتی تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است». ماده ۴۹۲ ق.م.ا نیز مقرر می‌دارد: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله، مستند به رفتار مرتکب باشد؛ اعم از آن که به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود». مطابق با ماده ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی: «وجود فاصله زمانی میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن، مانع تحقق جنایت نیست مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری کشنده که حسب مورد، موجب قصاص یا دیه است»، حکم این ماده و ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی در مورد کلیه جرایم جاری است. طبق ماده ۵۰۰: «در مواردی که جنایت یا هر نوع خسارت دیگر، مستند به رفتار کسی نباشد، مانند این که در اثر علل قهری واقع شود ضمان منتفی است». ماده ۵۳۱ نیز بیان می‌دارد: «در موارد برخورد هرگاه حادثه به یکی از طرفین مستند باشد مثل اینکه حرکت یکی از طرفین به قدری ضعیف باشد که اثری بر آن مترتب نگردد، تنها درباره طرفی که حادثه مستند به او است، ضمان ثابت است».

احکام وضعی ضمان، اعم از دیه و قصاص، همانگونه که بسیاری از فقها به آن تصریح کرده اند، دائرمدار صحت انتساب و استناد جنایت است. نکته حائز اهمیت، نحوه احراز این رابطه است که تنها افعال و عواملی در این رابطه قابل احتساب هستند

که در نتیجه حاصله مؤثر باشند؛ یعنی سبب و علت. در واقع تأثیر، به عنوان وصف عوامل دخیل در حدوث معلول، وجه ممیزه ای برای تشخیص و تبیین این عوامل در رابطه استناد خواهد بود و این موضوع در ماده ۵۲۶ ق.م.ا.مورد تأکید مقنن واقع شده است: «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسؤول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است.»

۲-۱- معیار احراز رابطه استناد

به طور کلی می‌توان گفت برای انتساب جرم و توجه ضامن لازم است که رابطه استناد احراز گردد. در واقع، فارغ از این که انتقال ویروس بیماری واگیردار بالمباشره و یا بالتسبیب انجام گیرد آن چه مهم است انتساب عمل انتقال به سبب یا مباشر می‌باشد، ولی باید د نظر داشت که احراز رابطه سببیت در مفهوم خاص و استناد در مفهوم عام آن از مشکل ترین مباحث حقوقی است (آقایی، ۱۳۸۹: ۵۵). در واقع، احراز رابطه استناد و ملازمه واقعی و حقیقی، بین عمل مجرمانه و نتایج آن، از موارد مهم اثبات جرم است که باید قبل از هر چیز درباره هر متهمی بررسی شود (Martin, 2002: 113). بر همین اساس است که از فعل عدوانی و نتیجه مجرمانه به عنوان ارکان رابطه استناد یاد می‌شود. در حقیقت نقش رابطه استناد، همان تفسیر حصول نتیجه با اسناد نتیجه به فعل و تحمیل مسؤلیت بر مرتکب آن است (نجیب، ۱۳۸۷: ۱۱).

بنابراین احراز مسؤلیت جانی متوقف بر اثبات استناد جنایت به فعل مرتکب بوده و در مواردی که استناد واقعی، موضوعی مسلم نیست و در وجود آن تردیدی حاصل

شود بنابراین اصل برائت و قاعده «درأ» که در مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ ق.م.ا به آن اشاره شده و شامل کلیه جرائم تعزیری و غیر تعزیری نیز می باشد، اصل بر عدم سببیت عمل خواهد بود. ماده ۴۹۲ ق.م.ا ۹۲ ضمن تأکید بر این مطلب، در خصوص لزوم احراز رابطه استناد در مباشرت یا تسبیب بیان می دارد: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از این که به نحو مباشرت یا تسبیب یا به اجتماع آنها باشد». از لحاظ اثباتی و بنابر قاعده فقهی «الْبَيِّنَةُ عَلَى الْمُدْعَى» بار اثبات این رابطه و استناد نتیجه زیانبار به فعل جانی بر عهده مدعی به نحو عام و بر عهده مجنی علیه یا اولیای دم در جنایات به نحو خاص می باشد. در این راه کافی است علم عادی، امکان حصول به علت مرگ مجنی علیه را فراهم سازد.

۳-۱- مشکلات احراز رابطه استناد در بیماری های واگیردار

احراز رابطه استناد در کلیه جرائم به طور کلی و احراز آن در انتقال بیماری های واگیردار به نحو خاص، از جهات اثباتی با مشکلات متعددی روبرو است. محسوس نبودن انتقال و به تبع آن عدم شناخت انتقال دهنده، فاصله زمانی بعضاً زیاد بین زمان انتقال و بروز علائم و در مرتبه بعد، پیدایش عوارض و صدمه نهایی و مواردی از این قبیل، باعث صعوبت احراز رابطه استناد شده است. به عنوان مثال، بین انتقال ویروس های نوظهور و بروز صدمات ناشی از آن مخصوصاً مرگ قربانی، فاصله زمانی نسبتاً طولانی وجود دارد. از طرف دیگر، برای این که بتوانیم کسی را در قبال آسیب های ناشی از انتقال ویروس مسئول بدانیم، باید وجود رابطه استناد بین رفتار وی و ضایعات محدوئه و در نهایت، مرگ ناشی از آن را اثبات کنیم؛ بنابراین وجود این فاصله زمانی و مخفی بودن علت و همچنین عوامل دیگری که در طی این مدت می توانند وجود داشته باشند، ضمن افزودن به دشواری موضوع، این شائبه را ایجاد می کند که آیا ممکن است علل دیگری باعث قطع این رابطه شده و در نتیجه نتوان آسیب ها را ناشی از انتقال ویروس دانست؟ و چنان چه عامل مستقلی رابطه سببیت

بین فعل یا ترک فعل و نتیجه مجرمانه را قطع کند، موجب عدم انتساب و استناد عمل مجرمانه به فاعل خواهد بود یا خیر (میرمحمد، ۱۳۸۹: ۷۷).

این عامل قاطع ممکن است ناشی از فعل اختیاری مجنی^۱ علیه یا شخص ثالث و یا ناشی از عوامل طبیعی باشد. در هر مورد که این عامل قاطع وجود دارد باید دقت داشت که عامل قاطع رابطه استناد باید «مستقلاً» باعث این انقطاع شده باشد. بنابراین در تسلسل علل به نحو طولی که وجود یک علت، منوط به وجود علت دیگر است باید بر اساس قواعد موجود مانند قاعده ضمان^۲ علت مقدم در تأثیر عمل نمود. پس در موردی که سرایت، ناشی از جراحت اول بوده و به دلیل مستقل دیگری ایجاد نشده باشد - یعنی عامل مستقل دیگری رابطه استناد بین جراحت و آثار حتمی آن را قطع نکرده باشد - جراح اول ضامن خواهد بود.

مثلاً اگر کسی دیگری را مبتلا به ویروس بیماری کشنده نموده و حیوان دیگری نیز او را به طرزی غیر کشنده مجروح نماید، اما به دلیل ضعف سیستم ایمنی در اثر ابتلا به ویروس فرد عفونت نموده و فوت کند این عمل، قاطع رابطه استناد بین انتقال بیماری و نتیجه حادث محسوب نشده و عامل انتقال مسئول خواهد بود، هر چند که انتقال بیماری اول به مرور زمان باعث مرگ حتمی می‌گردد. همچنین به نظر برخی از فقها مبنی بر مسئولیت جراح در موردی که فرد جراحی به دیگری وارد و مجروح به دلیل بی‌مبالاتی و با امکان مداوا در درمان کوتاهی نموده و سرایت جراحت، باعث مرگ مجنی^۳ علیه می‌گردد، مؤید این مطلب است که در صورت عدم وجود مانع و یا عامل قاطعی در مسیر جریان رابطه استناد، عامل جراح ضامن است، زیرا جراحت وارده توسط وی، مقتضی فوت خواهد بود (Barraj, 1986: 506). بنابراین اگر منتقل^۴ الیه به دلیل حوادث و عوامل طبیعی و غیر آن فوت نماید می‌توان به سقوط قصاص یا دیه از عهده مجرم اصیل، حکم داد، زیرا مجرم اصیل زمانی مستحق^۵ قصاص می‌گردد که عمل او سبب اصلی و مستقیم فوت مجنی^۶ علیه به شمار آید.

باید توجه داشت صرف اثبات این که مرگ در هر حال و حتی بدون وجود عامل جدید هم رخ می‌داد، لزوماً باعث عدم اثبات رابطه سببیت نخواهد شد؛ به همین دلیل کسی نمی‌تواند برای ردّ اتهام قتل، مدّعی شود که قربانی در هر حال - حتی در صورت عدم مداخله متهم - به دلایل دیگری می‌مرده است؛ بنابراین انتقال ویروس بیماری کشنده به بدن بیمار سرطانی که در هر صورت در اثر سرطان می‌مرده است نافی مسئولیت انتقال دهنده ویروس بیماری واگیردار نخواهد بود؛ یعنی چنان چه علت مرگ براساس نظرات علمی، ناشی از انتقال عامل بیماری‌زا باشد انتقال‌دهنده ضامن و چنان چه بیمار در اثر سرطان فوت نماید انتقال دهنده مشمول حکم وضعی، یعنی قصاص یا دیه فوت نخواهد شد، هرچند ممکن است مشمول حکم تکلیفی، یعنی تعزیر گردد.

در رابطه با بیماری های نوظهور کشنده مانند ایدز و کرونا، ذکر این نکته نیز مفید فایده می‌باشد که هرچند ممکن است تأثیر عاملی مثل ضعف گلبول های سفید خون که نقش حمایتی در بدن ایفا می‌کنند، در تسریع حدوث نتیجه نقش داشته باشد، ولی باید دقت نمود که نقش تسریعی صرف داشتن در حصول نتیجه، به تنهایی باعث زوال آثار ناشی از علت مؤثر اولیه نخواهد بود؛ مثلاً اگر بر اساس نظر کارشناسی، علت مؤثر در حدوث نتیجه، جراحی کشنده به مجنی علیه باشد که از بیماری کشنده - ای مانند کرونا، ایدز یا ابولا رنج می‌برد و آثار این بیماری ها صرفاً نقش تسریعی در حدوث مرگ داشته باشند، با عنایت به توجه رابطه استناد به جراح که بر اساس نظرات کارشناسی نیز ثابت شده است، وی بر اساس بند ب ماده ۲۹۰ ق.م.ا قاتل عمد شناخته می‌شود، لیکن در حالتی که جراح بدون آگاهی از وضعیت فرد بیمار، ضربه ای غیر کشنده به فرد مبتلا به بیماری نوظهور که مقاومت بدنی اش به دلیل تخریب گلبول های سفید خون، از بین رفته یا تضعیف شده، وارد کرده و به دلیل عفونت های حاصله از عدم امکان مقابله بدن با ضربه وارده، منتهی به مرگ شده است، مسئول قلمداد کردن جراح، به دلیل مستند بودن مرگ به بیماری کشنده ایدز

و آثار آن صحیح نبوده و این مطلب به طور ضمنی مورد پذیرش قانونگذار نیز قرار گرفته است و در این حالت، عامل انتقال ویروس مسئول قلمداد می‌شود.

باید توجه داشت که چنانچه بنا بر نظر کارشناسان، قتل مستند به هر دو عامل، یعنی جراحت و بیماری واگیردار باشد هر دو به سهم مساوی مسئولیت داشته و احکام وضعی و تکلیفی مسأله نسبت به هر دو جریان خواهد داشت. مقنن این مطلب را در ماده ۵۲۶ مورد اشاره قرار داده است: «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند.»

البته باید گفت که حکم این ماده تنها در صورت وجود رابطه عرضی بین عوامل، یعنی رابطه‌ای که ناظر به تداخل اسباب متعدد در یک زمان و مجزاً از یکدیگر است، صحیح بوده و تنها در این صورت است که می‌توان به «شُرکت» عوامل و مسئولیت تضامنی ایشان معتقد بود و در غیر این صورت، یعنی وجود رابطه طولی یا رابطه‌ای که ناظر بر تداخل اسباب متعدد در زمانه‌ای متفاوت، ولی متأثر از یکدیگر در وقوع نتیجه‌اند حکم ماده ۵۳۵ مبنی بر مسئولیت سبب مقدم در تأثیر جاری خواهد بود.

در واقع، ضمان سبب مقدم در تأثیر به این دلیل است که اسباب متأخر، تأثیرگذاری خود را از سبب مقدم به عاریه گرفته‌اند و به نوعی وجود و تأثیر اسباب متأخر، منوط به وجود و اثرگذاری سبب مقدم می‌باشد؛ پس وجود سبب مقدم در تأثیر را می‌توان به نوعی به مباشر تعبیر کرد. البته باید فرضی را نیز مدنظر قرار داد که در آن هرچند به ظاهر با سبب مقدم در تأثیر روبرو هستیم، اما در این میان، سبب مؤخر با علم به وجود سبب اول شرایط اثرگذاری آن را فراهم می‌نماید.

در این حالت، سبب دوم که به عمد شرایط را برای وقوع حادثه فراهم کرده است، مسئول می‌باشد. به عنوان مثال، پرستاری با علم به تجویز اشتباه دارو برای بیمار

توسط پزشک، بیمار را توصیه به مصرف دارو می نماید که در این صورت، مسئولیت متوجه پرستار می باشد، نه پزشک؛ که این موضوع در تبصره ۱ ماده ۴۹۶ ق.م.ا نیز به این شرح مورد اشاره قرار گرفته است: «در موارد مزبور، هرگاه مریض یا پرستار بداند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می شود و با وجود این به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست، بلکه صدمه یا خسارت مستند به خود مریض یا پرستار است». همچنین قاعده سبب مقدم در تأثیر در فرضی که سببی غیر مجاز و دیگری مجاز می باشد مجری نخواهد بود و در این حالت، سبب غیر مجاز است که مسئولیت خواهد داشت، هرچند سبب مقدم در تأثیر نباشد.

به عنوان مثال، پزشک به تشخیصی اشتباه در مورد فرد مبتلا می رسد و در این حالت او را توصیه به انجام یک سری اقدامات درمانی می نماید. در این حالت، یکی از خدمه بیمارستان با مشاهده بیمار و تجویزات پزشک، عملکرد پزشک را تأیید و بیمار را به انجام اعمال و استفاده از داروها ترغیب و او را در این راستا کمک نموده و فرد در اثر این اقدامات فوت می نماید که در این حالت مسئولیت متوجه کسی است که عمل غیر مجاز را انجام می دهد. حکم هر دو حالت در ماده ۵۳۶ ق.م.ا مورد اشاره قرار گرفته است: «هرگاه در مورد ماده ۵۳۵ این قانون عمل یکی از دو نفر غیر مجاز و عمل دیگری مجاز باشد، مانند آن که شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز است، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست شخصی که عملش غیر مجاز بوده ضامن است. اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به این که ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می شود، نفر دوم ضامن است». همچنین گذشت زمان نیز نمی تواند خللی به رابطه استناد وارد کند.

۴-۱- تأثیر گذشت زمان در رابطه استناد از نظر قانونگذار و فقها

قانونگذار ایران با پذیرش این مهم در ماده ۴۹۳ ق.م.ا صراحتاً وجود فاصله زمانی میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن را مانع تحقق جنایت ندانسته و در مواردی

مانند انتقال بیماری کشنده، مرتکب را حسب مورد مستوجب قصاص یا دیه می‌داند. عدم تأثیر گذشت زمان طولانی در رابطه استناد و به عنوان رافع مسئولیت ناقل، مورد توجه فقها نیز بوده و در استفتائات ایشان مورد اشاره واقع گردیده است. به عنوان نمونه به استفتاء ذیل توجه شود: اگر کسی عمداً دیگری را مبتلا به بیماری واگیردار و نوظهور نماید چون این بیماری ها فوراً کشنده نبوده و در اثر مرور زمان و ضعف قوای دفاعی بدن موجب مرگ شده یا حتی احتمال مهار بیماری یا معالجه می‌رود، عملاً سرایت دهنده مشمول چه حکمی خواهد بود؟ پاسخ مراجع به قرار ذیل است: آیه الله بهجت (ره): با فرض این که می‌داند در شرایط فعلیه منجر به مرگ او قطعاً خواهد شد قتل عمد است، مثل خوراندن سم.

آیه الله فاضل لنکرانی (ره): اگر کسی عمداً ویروس ایدز را به بدن دیگری انتقال دهد و بداند که در درازمدت موجب مرگ او می‌شود و مرگ هم محقق شود، حکم قتل عمد را دارد.

آیه الله مکارم شیرازی: در صورتی که جانی می‌دانسته است که این کار غالباً موجب قتل می‌شود حکم قتل عمد را دارد.

آیه الله نوری همدانی: در صورتی که با این عمل طرف از بین برود و قتل منتسب به عامل بوده و عمل طوری است که غالباً موجب قتل می‌گردد قتل عمد به حساب می‌آید.

همچنین نویسندگان در استفتائی که اخیراً از مراجع معظم تقلید در ارتباط با عدم رعایت پروتکل های بهداشتی در مورد سرایت و انتقال ویروس کرونا نموده‌اند، پاسخ بعضی از ایشان به شرح ذیل می‌باشد:

متن سؤال: نظر معظم له در مورد کسانی که با عدم رعایت مقررات و پروتکل های اعلام شده از سوی مسئولین، موجب انتقال و سرایت عوامل بیماری زا، من جمله ویروس

خطرناک کرونا به دیگران شده و در نتیجه، باعث وارد آمدن خسارات مالی و جانی به دیگران می‌شوند، چیست؟

پاسخ آیه الله سیستانی: اختلاط او با دیگران به طوری که احتمال انتقال ویروس به آنان وجود داشته باشد جایز نیست، و اگر چنین کاری انجام دهد و موجب ابتلای کسانی شود که از وضعیّت او اطلاع ندارند، ضامن ضررهایی است که به آنها وارد می‌شود و اگر به همین سبب کسی بر اثر ابتلا به این بیماری فوت کند، باید دیه‌اش را بپردازد (www.sistani.org/persian/archive/26399/).

آیه الله مکارم شیرازی: چنان چه کوتاهی کند و استاد سرایت به او قطعی باشد ضامن است و باید جبران کند (makarem.ir/index.aspx?typeinfo=3002&lid=0&code=140).
(005010101).

آیه الله علوی گرگانی: رعایت موازین و دستورالعمل‌های ارائه شده توسط پزشکان امری لازم است و توصیه می‌شود بی‌اعتنایی نسبت به آن نشود (site.agorgani.ir/panel/?tab=8 کد سوال: ۱۷۶۷۰).

انواع بیماری

بیماری‌های واگیردار در طی قرون گذشته تا به حال، همواره یکی از عوامل تهدیدکننده اصلی سلامت انسان‌ها بوده‌اند. منظور از بیماری‌های واگیردار، بیماری‌هایی است که انتقال آنها از طریق تماس مستقیم و غیر مستقیم با انسان، حیوانات، اشیاء و غیره بوده و در سطح جامعه به سرعت منتشر می‌شوند. این بیماری‌ها به دو نوع: «کشنده» مانند ابولا، ایدز، مرس و کرونا و «غیره کشنده» مانند تبخال و برفک تقسیم می‌شوند. ویروس‌های کشنده نیز به دو نوع: مطلقاً کشنده» که هیچ راه درمانی ندارند، مانند آن چه ذکر شد و «نسبتاً کشنده» مانند برخی اقسام سل و تب تقسیم می‌شوند. بیماری‌های واگیردار فارغ از نوع آن، گاهی به سرعت در بین تعداد زیادی از افراد شیوع پیدا کرده و باعث مرگ و میر بالای افراد شده‌اند.

از موارد جدید این نوع بیماری‌ها که اخیراً شیوع پیدا کرده و سلامتی جامعه جهانی را با چالش مواجه نموده ابولا و بخصوص «کرونا» است. ویروس انواع بیماری‌های واگیردار از طرق مختلف مانند انتقال خون آلوده، تنفس و ارتباط روزمره افراد با یکدیگر، روابط جنسی کنترل نشده و غیره منتقل می‌گردد. با توجه به خطرات این بیماری‌ها برای جامعه علاوه بر لزوم پیشگیری، تدوین قوانین مناسب در راستای سلامت جامعه و حمایت از قربانیان آن ضروری است. شیوع بیماری‌های واگیردار از هر نوع آن، تهدیدی علیه سلامت جسمانی و بهداشتی افراد تلقی و ممکن است بر حسب نوع ویروس انتقال دهنده بیماری، نوعاً یا نسبتاً کشنده و یا اصلاً کشنده نباشد. در خصوص انتقال بیماری‌های واگیردار مسائلی مطرح است؛ از جمله وجود فاصله زمانی بعضاً زیاد تا حصول نتیجه و گاه مشخص نبودن علت حقیقی انتقال، وسعت و شدت آثار ناشی از این عوامل بیماری‌زا که در عصر حاضر، ابزار سوء استفاده برخی از گروه‌های تبهکار نیز واقع و فنی و تخصصی بودن موضوع و بسیاری موارد دیگر که همگی از یکسو باعث صعوبت و پیچیدگی مضاعف احراز رابطه استناد شده و از سوی دیگر، همین پیچیدگی‌ها باعث تعدد عناوین مختلف مجرمانه‌ای گردیده که ممکن است باعث مشتبه شدن موضوع برای کنشگران عدالت قضایی گردد.

با توجه به این که برای احراز مسئولیت مدنی و یا کیفری ناشی از انتقال عامل بیماری‌زا، احراز رابطه انتساب و استناد در مفهوم کلی آن مهم است بنابراین، در تحمیل مسئولیت، بررسی دقیق ماهیت رابطه استناد در انتقال عامل بیماری‌زای واگیردار امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر گردیده است. علاوه بر این، در شرایط حاضر بررسی و تطبیق دقیق موضوع با عناوین مختلف مجرمانه مندرج در ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ که از ابعاد مختلف دارای نوآوری‌هایی نسبت به قانون قبل بوده و از تعزیر ساده تا عناوین مستوجب حد یا قصاص نیز متغیر است، دارای اهمیت مضاعفی می‌باشد. این پژوهش با بررسی حقوقی مسائل مرتبط با بیماری‌های واگیردار، در دو

قسمت، سعی در تبیین نحوه احراز مسئولیت ناقل و عوامل مشتبه کننده احراز این مسئولیت با تأکید بر رابطه استناد - البته از نوع واقعی و نه اعتباری آن - داشته و با تفکیک بیماری ها به کشنده و غیر کشنده، به دنبال بررسی عنوان جرم ارتکاب یافته بر اساس ویژگی های هر جرم، منطبق با قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ می باشد.

۲- مبانی فقهی رعایت بهداشت عمومی

۲-۱- قاعده حرمت اضرار به نفس

قاعده حرمت اضرار به نفس، از جمله قواعد فقهی معروف (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۱۵-۱۱۶) است که توسط فقها در ابواب گوناگون مانند وضو، غسل، تیمم، روزه و غیره مورد استناد قرار می گیرد (خمینی، ۱۴۲۱: ۱۱۲/۲). برای این قاعده، به ادله فراوانی از جمله آیه «لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره: ۱۹۵)، آیه «لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» (نساء: ۳۰) بنا بر شمولش نسبت به اضرار به نفس (طباطبائی، بی تا: ۳۲۰/۳)، قاعده نفی ضرر بنا بر شمولش نسبت به اضرار به نفس (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۱۵-۱۱۶؛ سلطانی و کراچیان، ۱۳۹۲: ۹۶) قاعده وجوب حفظ جان، عموم و اطلاق ادله حرمت خودکشی و غیره استدلال می شود.

عدم رعایت بهداشت در برابر بیماری های واگیردار مانند کرونا در وهله اول به شخصی که مراعات نمی کند ضرر جانی و مالی می رساند (هادی، ۱۳۹۸: ۷-۹؛ هونگ، ۱۳۹۸: ۲-۳)؛ بنابراین حرام است.

۲-۲- قاعده وجوب دفع ضرر محتمل

قاعده «وجوب دفع ضرر محتمل» از قواعد معتبر فقهی است که مفادش این است که: «باید انسان از هر چیزی که احتمال ضرر - اعم از دنیوی و اخروی - در آن بدهد پرهیز کند» (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۳۰۶/۱). برای این قاعده به ادله فراوانی از جمله مقتضای دلیل اصلی ضرر (همان: ۳۰۷)، حکم عقل (مجاهد، ۱۴۱۵: ۴۸۷؛ آخوند خراسانی،

۱۴۰۹: ۳۰۸؛ مصطفوی، ۱۴۲۱: ۳۰۷/۱؛ هاشمی، ۱۴۳۷: ۴۹)، سیره عقلاء (هاشمی، ۱۴۳۷: ۴۹) و غیره استناد شده است.

ضرر در این قاعده، شامل ضرر متوجه به خود انسان و ضرر متوجه به دیگری می-شود. در کتمان بیماری و اگیردار، ضرر، متوجه به اشخاص دیگر است. در بیماری کرونا احتمال این ضرر خیلی بالا و قوی است؛ زیرا موجب آسیب های بزرگ و حتی مرگ می شود (هادی، ۱۳۹۸: ۹). بر این اساس، همه اعضای جامعه باید جهت دفع ضرر مظنون اعم از جانی و مالی (همان: ۷-۹؛ هونگ، ۱۳۹۸: ۲-۳) بهداشت را رعایت کنند و تخطی از امور بهداشتی حرام است.

۲-۳- قاعده وجوب حفظ جان

در نگاه فقیهان، پس از مصلحت دین، مصلحت حفظ جان در اولویت قرار می گیرد (حمیدی و حاجیان فروشانی، ۱۴۰۱: ۹۵). قاعده «وجوب حفظ نفس» از قواعد فقهی مشهور است که در بسیاری از مباحث فقه و حقوق مورد استناد قرار می گیرد. بر اساس این قاعده باید از جان خود محافظت کرد (سلطانی و کراچیان، ۱۳۹۲: ۱۰۹). دلایل گوناگونی از جمله: آیه «لَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره: ۱۹۵)، آیه «لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» (نساء: ۳۰)، حدیث منقول از امام باقر (ع) «إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَتَلَى بِكُلِّ بَلِيَّةٍ وَيَمُوتُ بِكُلِّ مَيْتَةٍ إِلَّا أَنَّهُ لَا يَقْتُلُ نَفْسَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۲۵۴)، حدیث «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ مُتَعَمِّدًا فَهُوَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷/۴۵) از امام صادق (ع)، دلیل عقل (سلطانی و کراچیان، ۱۳۹۲: ۱۰۴)، بنای عقلاء، اجماع (همان)، قاعده نفی ضرر بنابر شمولش نسبت به ضرر نفس (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۱۵-۱۱۶)، قاعده احترام (هوشمند فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۱۰۰)، قاعده وجوب دفع ضرر محتمل (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۳۰۶)، قاعده حرمت اضرار به نفس (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۱۵-۱۱۶؛ خمینی، ۱۴۲۱: ۲/۱۱۲) و ادله حرمت خودکشی (شفیعی، ۱۳۸۹: ۴۲) برای اثبات این قاعده قابل ذکر است. البته اجماع در اینجا مدرکی

و مستند به ادله دیگر بوده (سلطانی و کراچیان، ۱۳۹۲: ۱۰۴) و فاقد حجیت است؛ از اینرو به عنوان مؤید قابل قبول است و مجموع ادله دیگر، این قاعده را اثبات می کنند. بیماری های واگیردار مانند کرونا، جان اعضای جامعه را تهدید می کنند (هادی، ۱۳۹۸: ۹-۷؛ هونگ، ۱۳۹۸: ۲-۳) و انسان باید با رعایت مسائل بهداشتی و ایمنی جان خودش را در برابر آنها حفظ کند.

۴-۲- قاعده «نفی ضرر»

قاعده «نفی ضرر» که از آن به عنوان «لاضرر» یاد می شود از قواعد فقهی و حقوقی مشهور است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۱۱/۱؛ محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱۳۱/۱) که مستند بسیاری از مسائل فقهی و حقوقی است (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱۳۱/۱).

این قاعده به ادله فراوانی از جمله: آیه «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بَوْلِدًا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلِدًا» (بقره: ۲۳۳)، آیه «فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ» (بقره: ۲۸۲)، حدیث نبوی «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» (موسوی، ۱۴۰۵: ۱۷۸/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۲۸۰ و ۲۹۲ و ۲۹۴) و بنای عقلاء (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱۵۱/۱) استناد داده می شود. اجماع در اینجا مدرکی است؛ ولی مجموع ادله دیگر این قاعده را اثبات می کنند. ضرار نیز مصدر باب مفاعله بر وزن فعال از ریشه «ضرر» است که در لغت به معنای «ضرر رساندن به یکدیگر» است (فیومی، ۱۴۰۵: ۳۶۰؛ رازی، ۱۳۸۷: ۵۵۵). برخی نظیر صاحب کفایه (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۳۸۱) بر این باورند که تفاوتی میان ضرر و ضرار نیست و آمدن آن دو در کنار هم، از باب تأکید است. بعضی (نائینی، ۱۴۱۸: ۳/۳۷۹) عقیده دارند که ضرر به معنای زیان زدن غیر ارادی، و ضرار به معنای زیان زدن ارادی و عمدی است. بعضی دیگر بر این نظرند که ضرر به معنای نقص در اموال و انفس، و ضرار به معنای قرار دادن در ضیق، شدت و رساندن مکروه و حرج است (خیمینی، ۱۴۱۵: ۷۰).

بر اساس این قاعده فقهی، احکامی که به انسان ضرر بزند در شریعت وجود ندارد؛ از اینرو در مرحله اولیه و ابتدا به ساکن، هیچ حکم ضرری در شریعت تشریح نشده و در

مرحله بعد هر جا که حکمی برای فرد یا جامعه ضرر داشته باشد از سوی شریعت نفی شده است.

برخی از فقها (خوئی، ۱۴۲۰: ۵۳۳/۲؛ روحانی، ۱۴۱۲: ۹۹/۲۴) این قاعده را مختصاً اضرار به غیر دانسته‌اند؛ ولی برخی دیگر (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۱۵-۱۱۶) آن را درباره اضرار به نفس نیز جریان ساخته‌اند.

عدم رعایت بهداشت در برابر بیماری‌های واگیردار مانند کرونا، سبب ورود ضرر بزرگی به خود شخصی که رعایت نمی‌کند، می‌شود. این ضرر در بیماری کرونا خیلی چشمگیر است؛ زیرا این بیماری خیلی سریع انتقال می‌یابد و تاکنون دارو و واکسنی برای درمان آن از سوی مراکز معتبر تأیید نشده است (هونگ، ۱۳۹۸: ۲-۳)؛ البته با تلاش محققین و دانشمندان ایرانی و خارجی و مؤسسات علمی و پژوهشی از اواخر سال ۲۰۲۰ میلادی بعضی داروها و واکسن‌ها جهت پیشگیری و کنترل و درمان این بیماری کشف، تولید و مورد تأیید و بهره‌برداری قرار گرفته ولی با توجه به خصوصیت جهش‌پذیری این ویروس مهلک، بهترین روش جهت مقابله و جلوگیری از سرایت و انتشار آن، رعایت مقررات و پروتکل‌های بهداشتی می‌باشد و بر همین اساس، عدم رعایت بهداشت فردی در برابر آن حرام و ممنوع و حتی موجب ضمان خواهد بود.

۲-۲- عموم و اطلاق ادله حرمت خودکشی

ادله فراوانی از جمله: آیه «لَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره: ۱۹۵)، آیه «لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» (نساء: ۳۰) بنابر شمولش نسبت به خودکشی (طباطبائی، بی تا: ۳۲۰/۴)، حدیث «إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَبْتَلِي بِكُلِّ بَلِيَةٍ وَيَمُوتُ بِكُلِّ مَيْتَةٍ، إِلَّا أَنَّهُ لَا يَقْتُلُ نَفْسَهُ» (مالکی، ۱۴۱۰: ۲۰۴/۲) از امام باقر(ع)، حدیث «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ مُتَعَمِّدًا فَهُوَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۵/۷؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۵۷۱/۴ و ۲۰۲۰: ۲۰۲/۴؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۲۰۷/۹) از امام صادق(ع)، دلیل عقل، اجماع عقلاء (شفیعی، ۱۳۸۹: ۴۲)، اجماع فقها (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۷۰/۲۶)، قاعده نفی ضرر بنابر شمولش نسبت به اضرار به نفس (انصاری، ۱۴۱۴:

۱۱۶-۱۱۵؛ سلطانی و کراچیان ثانی، ۱۳۹۲: ۹۶)، قاعده وجوب حفظ نفس و غیره برای حرمت خودکشی ذکر شده است.

کسی که امور بهداشتی را در برابر بیماری های واگیردار بخصوص کرونا رعایت نکند، سبب ابتلای خویش به این بیماری ها شده و در معرض مرگ قرار می گیرد و گاهی حتی می میرد (هادی، ۱۳۹۸: ۷-۹؛ هونگ، ۱۳۹۸: ۲-۳) از اینرو عموم و اطلاق ادله حرمت خودکشی شامل آن شده و حرام خواهد بود.

۲-۶- اصل احتیاط

در اصطلاح فقهی و اصولی به معنای اتخاذ روشی است که با آن برائت یقینی ذمه حاصل شود (کروکی، ۱۳۹۶: ۲۲۳)؛ یعنی چیزی که احتمال می رود واجب باشد انجام شود و چیزی که احتمال می رود حرام باشد ترک شود (انصاری، ۱۴۱۹: ۴۰۳/۱). هرگاه شخصی با عمل خود، سبب قرار گرفتن خویش و دیگران در خطر شود اصل احتیاط را می توان جاری ساخت (پرویزی و رمضانی، ۱۳۹۶: ۴). اصل احتیاط در احکام شرعی و موضوعات خارجی دارای حکم شرعی، جریان دارد (صدر، ۱۴۳۱: ۷۹/۵). حال می توان گفت در زمان شیوع بیماری واگیردار بخصوص کرونا، علم اجمالی به سرایت این بیماری وجود دارد؛ بنابراین باید احتیاط کرده و مسائل بهداشت فردی را رعایت کرد تا از ابتلای خود به آن و آسیب های شدید آن از جمله مرگ (هادی، ۱۳۹۸: ۷) در امان بود. این احتیاط واجب است و ترک آن حرام و ممنوع است.

۲-۷- قاعده منع اضرار

همه فقها قاعده نفی ضرر را نسبت به اضرار به غیر، جاری دانسته اند (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۱۶-۱۱۵؛ خوئی، ۱۴۲۰: ۵۳۳/۲؛ روحانی، ۱۴۱۲: ۹۹/۲۴). بر این اساس، یکی از قاعده های استخراج شده از قاعده نفی ضرر، قاعده منع اضرار است. اعضای جامعه نسبت به هم مسئولیت به احتیاط دارند و نباید سبب ضرر رسانی به دیگری شوند (یزدانیان، ۱۳۸۶: ۳۰۰/۱). عدم رعایت بهداشت در برابر بیماری های واگیردار مانند کرونا، سبب تحمیل

ضرر بزرگی به دیگر اعضای جامعه می شود. این ضرر در بیماری کرونا خیلی چشمگیر است؛ زیرا خیلی سریع انتقال می یابد (هونگ، ۱۳۸۹: ۲-۳).

عدم رعایت بهداشت گاهی با ترک برخی امور از جمله کتمان بیماری است. میان فقها درباره شمول بیان قاعده نسبت به امور عدمی اختلاف نظر است؛ برخی از فقها (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۱۹؛ نائینی، ۱۴۱۸: ۳/۴۲۰) آن را در امور عدمی جاری نمی دانند، ولی برخی دیگر (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱/۱۶۰؛ ایروانی، ۱۴۳۲: ۱/۱۴۶) آن را جاری می دانند.

۸-۲- قاعده احترام

قاعده احترام از قواعد فقهی اصطیادی معروف است که بر اساس آن جان، مال، منافع، عمل و آبروی انسان ارزش و احترام داشته و نباید مورد تعرض قرار گیرد (هوشمند فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۱۰۰).

برای اثبات این قاعده به ادله مختلف از جمله: آیه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» (بقره: ۱۸۸)، آیه «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كَتَبْنَا فَتَنًا وَإِثْمًا مُّبِينًا» (احزاب: ۵۸)، حدیث نبوی «الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ عَرَضُهُ وَمَالُهُ وَدَمُهُ» (اهوازی، ۱۴۰۲: ۷۲)، حدیث نبوی «سَبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ وَأَكْلُ لَحْمِهِ مَعْصِيَةٌ وَحَرْمَةُ مَالِهِ كَحَرْمَةِ دَمِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۳۶۰؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۳/۵۶۹ و ج ۴/۴۱۸ و ۴۱۸؛ مالکی، ۱۴۱۰: ۲/۲۰۹)، حدیث نبوی «سَبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ وَأَكْلُ لَحْمِهِ مَعْصِيَةٌ وَحَرْمَةُ مَالِهِ كَحَرْمَةِ دَمِهِ» (مالکی، ۱۴۱۰: ۶۵)، بنای عقلاء (سبزواری، ۱۳۸۸: ۲۰/۴۲۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۲/۲۱۸)، سیره متشرعین (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۸/۳۲۲؛ مصطفوی، ۱۴۲۱: ۱/۲۵) و تسالم فقها (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۱/۲۵) استناد می شود. اجماع در اینجا مدرکی بوده و اعتبار ندارد؛ ولی مجموعه ادله دیگر این قاعده را اثبات می کنند.

در قلمرو قاعده احترام اختلاف نظر است؛ برخی آن را مختص مال، منافع و عمل دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۲۲/۳۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۲/۲۱۸) ولی برخی دیگر آن را به جان و آبرو نیز سرایت داده‌اند (هوشمند فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۱۰۰).

نحوه استدلال بیه قاعده مذکور چنین است که بر اساس این قاعده، جان، مال و منافع اعضای جامعه احترام و ارزش دارد و نباید با عدم رعایت امور بهداشتی در برابر بیماری - های واگیردار مانند کرونا، جان، مال و منافع آنها را در خطر انداخت (هادی، ۱۳۹۸: ۷-۹؛ هونگ، ۱۳۹۸: ۲-۳).

۹-۲- عموم و اطلاق ادله حرمت قتل

ادله فراوانی مانند: آیه «لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» (نساء: ۲۹)، آیه «كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مانده: ۳۲)، آیه «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» (نساء: ۹۳)، آیه «لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (اسراء: ۳۲)، حدیث نبوی «إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا» (حر عاملی، بی تا: ۱۰/۲۹)، حدیث نبوی «الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ عَرَضُهُ وَمَالُهُ وَدَمُهُ» (اهوازی، ۱۴۰۴: ۷۲)، حدیث «مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا أَثَبَتَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى قَاتِلِهِ جَمِيعَ الذُّنُوبِ وَبَرِيءُ الْمَقْتُولِ مِنْهَا» (برقی، ۱۳۷۱: ۱۰۵) از امام باقر(ع)، حدیث «الْكِبَائِرُ سَبْعٌ قَتْلُ الْمُؤْمِنِ مُتَعَمِّدًا وَ قَذْفُ الْمُحْصَنَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷۷/۲) از امام صادق(ع)، عقل و اجماع (طوسی، ۱۳۸۷: ۴/۷) بر حرمت قتل نفس محترم دلالت دارند.

لازم به ذکر است که عموم و اطلاق این ادله، شامل هم قتل مباشرتی و هم قتل تسبیبی می‌شود. کتمان بیماری واگیردار بخصوص کرونا از دیگر اعضای خانواده و جامعه، ذیل اطلاق و عموم این ادله قرار می‌گیرد؛ زیرا کتمان آن سبب کشته شدن برخی از آنان خواهد شد (هادی، ۱۳۹۸: ۷) و قتل تسبیبی به شمار می‌آید. در بیماری کرونا

سالمندان، بیماران زمینه‌ای، زنان باردار و دارندگان سیستم ایمنی ضعیف، بیشتر در معرض مرگ هستند (هادی، ۱۳۹۸: ۵ و ۳؛ هونگ، ۱۳۹۸: ۴۸).

۳- ادله ضمان انتقال دهنده بیماری واگیردار به دیگری با عدم رعایت بهداشت

اگرچه قاعده عامی برای ضمان آور بودن فعل سلبی در فقه و حقوق دیده نمی‌شود و این مسأله مورد اختلاف است ولی نظر غالب بر مسئولیت آوری آن است (حکمت نیا، ۱۳۸۹: ۱۳۱). کسی که در زمان شیوع بیماری واگیردار به ویژه کرونا، امور بهداشتی را رعایت نکرده و سبب ابتلای دیگران به آن بیماری شود ضامن است. فردی که به بیماری واگیردار مبتلا شود و امور بهداشتی را رعایت نکند و بیماری خودش را از دیگران پنهان کرده و سبب ابتلای آنان شود ضامن است و فرقی ندارد که این کتمان، با قصد سوء و انتقال بیماری باشد یا به جهت سهل‌انگاری یا خجالت و غیره باشد؛ از اینرو فقها (بهجت، ۱۴۲۸: ۳-۴/۱۷۲) فتوا داده‌اند بیماری که به عمد یا تقصیر پزشک، خویش را از بیماری واگیردار خودش آگاه نکند و سبب ابتلا و فوت پزشک شود مسئول دیه پزشک است.

۱-۳- قاعده اتلاف

قاعده اتلاف که از آن با تعبیر «من أتلف مال الغير بلا إذن منه فهو له ضامن» یاد می‌شود از ضروریات دین اسلام (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲/۲۵) و از قواعد مشهور فقهی است که فقها برای اثبات ضمان استفاده می‌کنند (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱: ۳/۱). اتلاف در اصطلاح فقهی به معنای ضایع کردن مال یا منفعت متعلق به دیگری است. شخص تلف‌کننده علاوه بر ارتکاب گناه، ضامن مال یا منفعت تباه شده است و باید جبران خسارت کند؛ از اینرو باید همانند قیمت چیزی که تلف شده را به صاحب آن پرداخت کند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۲/۱۹۳).

برای مشروعیت قاعده اتلاف به دلایلی مانند: آیه «فَمَنْ اَعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ» (بقره: ۱۹۴)، آیه «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا» (شوری: ۴۰)، حدیث نبوی «لَا یَحِلُّ لِامْرِئٍ مُّسْلِمٍ دَمٌ اَمْرِئٍ مُّسْلِمٍ وَ مَالُهُ اِلَّا مَا اَعْطَاهُ بِطِیْبَةٍ نَفْسٍ مِنْهُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷۳-۲۷۵/۷) حدیث نبوی «اَلَا مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ اَمَانَةٌ فَلْيُؤَدِّهَا اِلَیَّ مَنْ اِتَمَّنَهُ عَلَیْهَا، فَانَّهُ لَا یَحِلُّ دَمٌ اَمْرٍ مُّسْلِمٍ وَ لَا مَالُهُ اِلَّا بِطِیْبَةٍ نَفْسِهِ» (احسائی، ۱۴۰۳: ۲۲۴/۱)، حدیث نبوی «عَلَى الْیَدِ مَا اَخَذْتَ حَتَّى تُؤَدِّیْهِ» (همان)، حدیث «اَنَّ الْمَغْضُوبَ كَلَّهُ مَرْدُودٌ» (طوسی، ۱۳۶۵: ۱۳۰/۴)، از امام کاظم (ع)، اتفاق نظر فقها، ضرورت دین اسلام (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۵/۲)، ضرورت فقه (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱: ۳/۱)، قاعده نفی ضرر و قاعده ضمان ید (میرحسینی و آب سواران، ۱۳۹۳: ۱۲۹)، استدلال شده است. اتلاف به دو صورت بالمباشره و بالتسبیب انجام می پذیرد که در هر دو صورت، شخص تلف کننده ضامن بوده و باید خسارت را جبران کند؛ از اینرو برخی از فقها (خمینی، ۱۳۷۹: ۱۹۰/۲؛ حسینی مراغی، ۱۴۲۵: ۲/۴۳۵؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱: ۱۲/۱) قاعده تسبیب را به قاعده اتلاف ارجاع داده اند.

مرجع برای تشخیص حدود اتلاف همانند بسیاری از امور دیگر در فقه و حقوق، عرف است که بر اساس شرایط و اقتضای مکانی و زمانی متغیر خواهد بود. اتلاف در این قاعده اختصاص به مال ندارد و شامل جان و اعضای بدن انسان نیز می شود. از اینرو فقها در دیات (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۸۷/۷)، قصاص (فاضل مقداد، ۱۴۰۴: ۴/۴۵۰؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۵۳/۱۴) و ضمان پزشکی مقصّر (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۳/۴۴) به این قاعده تمسک کرده اند. با توجه به توضیحات مذکور می توان چنین استدلال کرد که ابتلا به بیماری واگیردار بخصوص کرونا، سبب تلف شدن مال و حتی جان انسان می شود (هادی، ۱۳۹۸: ۷-۹؛ هونگ، ۱۳۹۸: ۲-۳) و کسی که با عدم رعایت بهداشت در برابر این بیماری، جان و مال دیگران را تلف می کند، ضامن خواهد بود.

۲-۳- قاعده تسبیب

قاعده تسبیب یا اتلاف به تسبیب و یا سبب اقوی از مباشر (ایروانی، ۱۴۳۲: ۱۶۰/۲) و یا قوت سبب از مباشر (خوانساری، ۱۴۰۵: ۱۵۸/۶)، از جمله قواعد فقهیه است که برخی از فقها (نجفی، ۱۴۰۴: ۵۰/۳۷-۵۲) آن را انکار کرده و بعضی (خمینی، ۱۳۷۹: ۱۹۰/۲؛ حسینی مراغی، ۱۴۲۵: ۴۳۵/۲) آن را به قاعده اتلاف ارجاع داده و برخی (صدر، ۱۳۹۱: ۳۱۹/۴) آن را به عنوان قاعده مستقل فقهی پذیرفته و گفته‌اند که در اتلاف، مباشرت و علیت وجود دارد که بر دو قسم: مباشرت ابتدایی مانند قطع عضو و مباشرت واسطه‌ای مانند جراحات قطع‌کننده عضو است، ولی در تسبیب، شرط و زمینه سازی وجود دارد که شبیه علت است مانند حفر چاه (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۱۸۱/۲). در صورتی که قاعده تسبیب، یک قاعده مستقل از قاعده اتلاف به حساب آید، می‌تواند به عنوان دلیل مستقل برای ضمان برشمرده شود؛ بر همین اساس، این قاعده به صورت مستقل بیان شده است.

مراد از قاعده تسبیب آن است که اگر از انسان عاقل مختار، فعلی صادر شود که عادتاً سبب تلف مال، جان و منافع شخص دیگری شود در حالی که بین آن فعل و بین تلف، فاعل عاقل و مختار و عامد دیگری واسطه نشود، این انسان مسئول جبران خسارت آن شخص است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۳۸؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۵۹). منظور از فعل در اینجا، اعم از انجام و ترک است (رشتی، بی تا: ۲۹).

قانون مجازات اسلامی ایران در ماده ۵۰۶ در خصوص تسبیب مقرر داشته است: «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد؛ مانند آن که چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.»

برای این قاعده به ادله زیادی از جمله: اجماع (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۳۲/۲)؛ حدیث «كُلُّ شَيْءٍ يُضِرُّ بِطَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَصَاحِبُهُ ضَامِنٌ لِمَا يُصِيبُهُ» (کلینی، ۱۴۰۷:

۳۵۰/۷-۲۴۹؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۱۵۵/۴) از امام صادق(ع)، خبر زراره «قُلْتُ لَهُ رَجُلٌ حَفَرَ بَثْرًا فِي غَيْرِ مَلِكِهِ فَمَرَّ عَلَيْهِ رَجُلٌ فَوَقَعَ فِيهَا قَالَ فَقَالَ عَلَيْهِ الضَّمَانُ لَأَنْ كُلَّ مَنْ حَفَرَ فِي غَيْرِ مَلِكِهِ كَانَ عَلَيْهِ الضَّمَانُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۰/۷؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۲۳۰/۱۰) از امام صادق(ع)، روایت سماعه «سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَحْفِرُ الْبَثْرَ فِي دَارِهِ أَوْ فِي أَرْضِهِ فَقَالَ: أَمَا مَا حَفَرَ فِي مَلِكِهِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ ضَمَانٌ وَأَمَا مَا حَفَرَ فِي الطَّرِيقِ أَوْ فِي غَيْرِ مَا يَمْلِكُ فَهُوَ ضَامِنٌ لِمَا يَسْقُطُ فِيهِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۰/۷) از امام صادق(ع) و سیره عقلاء (ایروانی، ۱۴۳۲: ۱۶۳/۲)، قاعده نفی ضرر و قاعده ضمان ید (میرحسینی و آب سواران، ۱۳۹۳: ۱۲۹)، استدلال شده است. البته اجماع در اینجا مدرکی است و حجیت مستقل ندارد (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۴۳/۲-۳۴) و تنها به عنوان تأییدکننده، قابل قبول است (رهبر و سعادت، ۱۳۸۸: ۸۶) ولی مجموع ادله دیگر این قاعده را اثبات می کنند (میرحسینی و آب سواران، ۱۳۹۳: ۱۲۹).

اتلاف به دو صورت مباحثی و غیر مباحثی (تسبیب) انجام می گیرد؛ از اینرو در نظر برخی، همه ادله قاعده اتلاف، قاعده تسبیب را اثبات می کنند (میرحسینی و آب سواران، ۱۳۹۳: ۱۲۹). ضمان در قاعده اتلاف مبتنی بر تقصیر نیست؛ ولی در قاعده تسبیب، منوط به اثبات تقصیر است (روشن و صادقی، ۱۳۹۰: ۱۰۵) ضمن این که معیار در شناسایی تقصیر با عرف است (بادینی، ۱۳۸۹: ۷۹) و عرف نیز عدم رعایت اقدام های بهداشتی نسبت به بیماری و اگیردار از جمله کتمان آن را تقصیر می شمارد (یزدانیان، ۱۳۹۱: ۴۳). بدون شک کسی که امور بهداشتی در برابر بیماری و اگیردار مثل کرونا را رعایت نمی کند و در صورت ابتلا به آن کتمان می کند، به صورت مباشرت در زیان آن شخص دخالت ندارد؛ ولی سبب زیان آن شخص شده و بر طبق قاعده تسبیب، ضامن خسارت آن شخص خواهد بود.

۳-۳- قاعده احترام

قاعده احترام از جمله قواعد فقهیه مشهور است که بسیاری از فقها با آن علاوه بر حکم تکلیفی، حکم وضعی از جمله ضمان مدنی را اثبات می کنند (هوشمند

فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۱۰۰). طبق این قاعده فقهی، کسی که جان، مال، عمل و منافع دیگری را در معرض تعرض قرار دهد ضامن است. حال، فردی که با تخطی از امور بهداشتی در برابر بیماری‌های واگیردار مانند کرونا سبب ابتلای اشخاص دیگر به بیماری شده و آسیب‌های جانی و مالی به آنان وارد می‌کند (هادی، ۱۳۸۹: ۷-۹؛ هونگ، ۱۳۹۸: ۲-۳) ضامن است.

۴-۳- قاعده نفی اضرار

قاعده نفی ضرر از قواعد فقهی معروف است که افزون بر حکم تکلیفی حرمت ضرر، حکم وضعی از جمله ضمان و مسئولیت مدنی را اثبات می‌کند (ولی زاده، ۱۳۸۹: ۳۳۳). همانگونه که ذکر شد، از این قاعده، قاعده نفی و منع اضرار استنباط می‌شود و بر اساس قاعده منع اضرار، هم اضرار به غیر، حرام و ممنوع بوده و هم موجب ضمان نسبت به غیر خواهد شد؛ بنابراین می‌تواند از ادله ضمان به شمار آید. با این استدلال که فردی که با عدم رعایت امور بهداشتی در برابر بیماری واگیردار بخصوص کرونا سبب ابتلای دیگران به این بیماری و آسیب‌های آن از جمله مرگ شود (هادی، ۱۳۹۸: ۷-۹؛ هونگ، ۱۳۹۸: ۲-۳) بر اساس قاعده نفی ضرر، ضامن است؛ زیرا خسارت به دیگری وارد کرده است.

۴-۲- قواعد حقوقی رعایت بهداشت عمومی

۴-۱- قاعده تعهد ایمنی
قاعده تعهد ایمنی از قواعد حقوقی است که نظام حقوقی فرانسه آن را در قراردادها جاری ساخت و بعداً سایر نظام‌های حقوقی مانند آلمان، انگلستان و ایران آن را پذیرفتند (ثقفی، یزدانیان و جلالی، ۱۳۹۶: ۲). این قاعده سپس به وقایع حقوقی نیز سرایت داده شد؛ زیرا حفظ ایمنی در محدوده خارج از قراردادها و در وقایع حقوقی نیز ضروری است.

مقصود از ایمنی در اینجا همان برداشت عرفی از آن است که عبارت است از وضعیتی که در آن انسان، اموال و منافع او در معرض خطر نیافتند (خشنودی، ۱۳۹۲: ۲۹). مراد از تعهد ایمنی نیز تعهدی حقوقی مبتنی بر تعهد طبیعی احترام و عدم آسیب رسانی به تمامیت جسمانی انسانی دیگر است. بر این اساس، می توان این قاعده را به قاعده فقهی احترام ارجاع داد.

ایمنی انسان از حقوق طبیعی و ابتدایی ترین حقوق بشر است که در همه تمدن ها، ادیان و نظام های حقوقی به رسمیت شناخته شده و جهان شمول است (ثقفی، یزدانیان و جلالی، ۱۳۹۶: ۲۰)؛ بنابراین تعهد ایمنی، حقی ویژه برای همه انسان ها به شمار می رود. ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ میلادی مقرر داشته است: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.» اصل ۲۲ و اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر حق امنیت تأکید کرده است.

بند ج ماده پنجم قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۸ یا ماده ۱۳ آئین نامه تجهیزات و ملزومات پزشکی مصوب ۱۳۹۴، تعهد ایمنی را در قلمرو وقایع حقوقی لحاظ کرده است. حفظ ایمنی اشخاص جامعه و اجتناب از لطمه به سلامت و بهداشت آنان به عنوان تکلیف عمومی آحاد مردم در رویه قضایی نیز در نظر گرفته شده است. چنان که دادگاه بدوی و تجدید نظر استان تهران در دادنامه ۹۱۰۹۹۷۰۲۶۹۶۰۰۶۹ مورخه ۹۱/۸/۲۸ صاحب سگ را به جهت نگهداری آن، که تهدیدی بر ضد بهداشت عمومی بوده به پرداخت مبلغی وجه نقد بدل از حبس تعزیری محکوم کرده است (ثقفی، یزدانیان و جلالی، ۱۳۹۶: ۱۷).

۲-۴- قاعده تعهد به مراقبت متعارف

قاعده تعهد به مراقبت متعارف، از قواعد حقوقی است که بر اساس آن هر شخصی باید به صورت متعارف رفتار کند و در صورتی که عدم رعایت مراقبت متعارف او منجر به صدمه به دیگران شود مسئول است. وظیفه مراقبت متعارف، تکلیف همه مردم نیست، بلکه در کنار عنصر صدمه قابل پیش بینی قرار دارد و هنگامی می توان شخص را با ترک

این وظیفه محکوم کرد که مسأله صدمه قابل پیش بینی برای دیگران در میان باشد. از اینرو بعضی وظیفه مراقبت را شامل هشدار به دیگران یا حذف هرگونه خطر قابل پیش بینی دانسته اند که فرد از آن آگاهی دارد یا باید آگاه باشد. بنابراین، شخص بیماری که بیماری ای خطرناک دارد به طوری که دیگران در معرض آسیب او هستند وظیفه مراقبت متعارف برای حفظ دیگران و قربانی های قابل پیش بینی از آن خطر را دارد. با این استدلال که هر عضوی از جامعه در زمان شیوع بیماری واگیردار نظیر کرونا باید مراقبت کرده و امور بهداشتی را رعایت کند و در صورت ابتلای به آن، بیماری خودش را از دیگران کتمان نکند تا آنان نیز به بیماری او مبتلا نشوند و سبب صدمه آنان نگردد.

نتیجه گیری

بیماری های نوظهور سبب آسیب های بزرگ و جدی به جوامع و محیط زیست می گردد. بر همین اساس، بایستی همه اعضای جامعه نسبت به این قبیل بیماری ها توجه داشته باشند و بهداشت فردی را بر اساس قاعده حرمت اضرار به نفس، قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، قاعده وجوب حفظ جان، قاعده نفی ضرر، عموم و اصل احتیاط و بهداشت عمومی را طبق قاعده منع اضرار، قاعده احترام، عموم و اصل احتیاط را رعایت نمایند. تخطی کننده از بهداشت در صورت انتقال بیماری از وی به دیگری، بر اساس قاعده اتلاف، قاعده تسبیب، قاعده نفی اضرار، قاعده تعهد ایمنی و قاعده تعهد به مراقبت متعارف، ضامن خواهد بود.

بر همین اساس، در رکن اصلی تحقق مسئولیت، صحت انتساب و استناد است که احراز آن در کلیه جرائم، اعم از عمدی و غیر عمدی و همراه با قصور یا تقصیر، لازم و ضروری است و بیماری های واگیردار نیز از این امر مستثنی نیست، هرچند انتقال و پیوستن با اسباب ناپیدا صورت می گیرد، لیکن به نحوه احراز مسئولیت کیفری در بیماری های واگیردار و جرائم قابل انتساب مانند اسباب ظاهری دارای آثار و نتایجی است که در صورت احراز رابطه استناد بین این نتایج و اسباب ناپیدا، در مسئولیت

انتقال‌دهنده در فرض اجتماع شرایط نمی‌توان تردید نمود. نکته قابل توجه، دشواری احراز این رابطه به علت ناپیدا بودن اسباب می‌باشد؛ ضمن این که ویژگی های نوعی دیگر بیماری های واگیردار از جمله فاصله زمانی بین فعل و نتیجه مجرمانه، رضایت آگاهانه فرد به بیمار شدن و یا تن دادن او به عملی که باعث انتقال ویروس به وی می‌شود و امکان حدوث وقایع طبیعی یا غیر طبیعی قاطع رابطه استناد، ممکن است باعث دشواری دو چندان احراز این رابطه گردد.

منابع

- قرآن کریم.

- آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹)، **کفایه الاصول**، قم: الامام الحسن بن علی (ع).
- احسانی، ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۳ق)، **عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه**، ج ۱، قم، مؤسسه سید الشهداء (ع).
- اردبیلی (مقدّس)، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، **مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان**، ج ۱۴، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- انصاری (شیخ)، مرتضی بن محمد امین (۱۳۶۸ق)، **کتاب المکاسب**، ج ۱، قم: مکتبه العلامه.
- ایروانی، باقر (۱۴۳۲ق)، **دروس تمهیدیّه فی القواعد الفقهیّه**، ج ۱ و ۲، ج ۵، قم: دار الفقه.
- بادینی، حسن (۱۳۸۹)، **نگرشی انتقادی به معیار انسان معقول و متعارف برای تشخیص تقصیر در مسئولیت مدنی**، فصلنامه حقوق، ۱/۴۰، ۷۳-۹۴.
- پرویزی فرد، آیت الله؛ رمضان، بیژن (۱۳۹۶)، **تبیین و تفسیر فقهی و حقوقی بیماری ها و صدمات مسری و واگیردار**، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۴، ۱-۱۵.
- تقفی، مریم؛ یزدانیان، علیرضا؛ جلالی، محمد (۱۳۹۶)، **ماهیت تعهد ایمنی و کاربرد آن در مسئولیت مدنی پزشک در حقوق ایران و فرانسه**، پژوهش های حقوق تطبیقی، ۳/۲۱، ۱-۳۵.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (بی تا)، **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۲۹، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
- حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۲۵ق)، **العناوین الفقهیه**، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- حمیدی، محمدرضا؛ حاجیان فروشانی، زهره (۱۴۰۱)، **بازنگری در ادله وجوب تدم جان خود بر دیگری و کارکرد تربیتی آن**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۶، ۹۳-۱۲۰.

- خشنودی، رضا (۱۳۹۲)، **مطالعه تطبیقی تعهد ایمنی در حقوق ایران و فرانسه**، پژوهش های حقوق تطبیقی، ۷۹، ۲۳-۴۷.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۷۹)، **البیع**، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۰ق)، **مصباح الفقاهه**، ج ۲، قم: انصاریان.
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق)، **جامع المدارک فی شرح المختصر النافع**، ج ۶، ج ۲، قم: موسسه اسماعیلیان.
- روشن، محمد؛ صادقی، محمد (۱۳۹۰)، **ضمان ناشی از انتقال بیماری جنسی**، مجله فقه پزشکی، ۷، ۸، ۱۰۱-۱۳۲.
- سلطانی، عباسعلی؛ کراچیان ثانی، فاطمه (۱۳۹۲)، **اثبات فقهی و حقوقی قاعده حفظ وجوب نفس در اسلام**، پژوهش های فقهی، ۳، ۸۵-۱۱۴.
- سیوری حلی (فاضل مقداد)، مقداد بن عبدالله سیوری (۱۴۰۴ق)، **التنقیح الرائج لمختصر الشرائع**، ج ۴، قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- صدر (شهید)، سید محمدباقر (۱۴۲۰ق)، **لاضرر و لاضرار**، تقریر: سید کمال حیدری، قم: دار الصادقین.
- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۱۳ق)، **من لایحضره الفقیه**، ج ۳ و ۴، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طباطبائی (علامه)، سید محمدحسین (۱۳۸۵)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج ۴، بیروت: مرسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۳۶۵)، **تهذیب الاحکام**، ج ۹ و ۱۰، ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، **المبسوط فی فقه الامامیه**، ج ۷، ج ۳، تهران: المکتبه المرتضویه.
- عبدی، یاسین؛ کتابی رودی، احمد (۱۳۹۳)، **جایگاه حق بر سلامت در اسلام و حقوق بین الملل**، فصلنامه تأمین اجتماعی، ۴۴، ۱۰۱-۱۲۶.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۰۵ق)، **المصباح المنیر**، قم: دار الهجره.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، **الزام های خارج از قرارداد** (مسئولیت مدنی)، ج ۸، تهران: کتابخانه گنج دانش.

مبانی فقهی حقوقی بهداشت فردی و اجتماعی در پرتو بروز بیماری های نوظهور — ۳۷۹

- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، (۱۴۰۷)، ج ۲ و ۵ و ۷، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق)، **قواعد فقه**، ج ۱، قم: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمودی، اکبر (۱۳۹۹)، **عدم رعایت بهداشت در برابر بیماری های واگیردار (به ویژه کرونا) از نگاه فقه و حقوق**، حقوق اسلامی، ۶۴، ۱۹۷-۲۲۴.
- مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱ق)، **القواعد الفقهیه**، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق)، **القواعد الفقهیه**، ج ۲، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ق)، **القواعد الفقهیه**، ج ۲ و ۱، تحقیق: محمدحسین درایتی و مهدی مهریزی، قم: الهادی.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۴۰۱ق)، **قواعد فقهیه**، ج ۳، تهران: عروج.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۳۶۷ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ج ۲۶ و ۳۷ و ۳۸، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- هادی، مهدی (۱۳۹۸)، **کرونا ویروس جدید**، تهران: دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- هوشمند فیروزآبادی، حسین (۱۳۹۶)، **بررسی امکان استخراج ضمان از ادله روایی احترام، دین و قانون**، ۱۶، ۹۹-۱۲۴.
- هونگ، جانگ ون (۱۳۹۸)، **دستور العمل عمومی پیشگیری از ابتلا به ویروس کوئید ۱۹**، شانگهای: علم و فناوری شانگهای.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۱)، **طرح مسئولیت مدنی آموزگار ناشی از عمل دانش آموز در حقوق ایران همراه با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه**، دانش حقوق مدنی، ۱، ۳۷-۴۷.

www.sistani.org/persian/archive/26399/

site.agorgani.ir/panel/?tab=8



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی